



<b>طلوع</b> روزنامه فرهنگی/سیاسی/اجتماعی/ورزشی		صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد مهدی جعفری زاده
شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شاپا) : ۸۰۰۲-۵۸۷۳		ISSN: 5873 - 8002
شیراز: خیابان انقلاب (نادر) / نیش پارک انقلاب / مجتمع رز / طبقه اول	تلفن: ۰۷۱-۳۲۳۴۴۷۷۲	عضو شرکت تعاونی مطبوعات کشور
کازرون: خ قدمگاه / پایین تر از تقاطع امیر کبیر ۴۲۲۲۹۲۴۶-۰۷۱	فاکس: ۳۲۳۴۴۷۷۱	چاپخانه: آنبیل رسانه برتر
آدرس سایت: www.tolounews.com	پست الکترونیک: toloudaily@gmail.com	مرامنامه اخلاقی: tolounews.com/Regulations.aspx
آدرس کانال تلگرام رسمی روزنامه طلوع: http://telegram.me/tolounews		یا جستجوی @tolounews

یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ شماره ۲۲۲۴ قیمت در کازرون ۴۰۰ تومان

## گفت و گو با امیر شفا رمنش به مناسبت زادروزش: بعد از «ساعت خوش» فیلم اجاره می‌دادم

**یک کودک ۵۰ ساله ام**  
 ۵۰ یک عدد است و باور نمی‌کنم ۵۰ ساله شده‌ام! کمی ترسناک به نظر می‌رسد وقتی می‌بینی نیم قرن را پشت سر گذاشته‌ای. زمانی که بچه بودم حس می‌کردم یک مرد ۳۰ ساله، خیلی بزرگ است اما الان ۵۰ ساله هستم و هنوز خیلی خیلی بچه‌ام. مثلا عین یک بچه بی‌دبی را دوست دارم، اگر یک توپ به من بدهید سرگرم فوتبال می‌شوم و حتی فراموش می‌کنم زن و بچه دارم! از این جهت حتما خوش به حال پسرم است. با او خیلی رفیق هستم و راحت و بدون آداب با همدیگر حرف می‌زنیم. اصلا این آداب‌ها و به جای واژه «تو»، «شما» گفتن را نمی‌فهمم! به نظرم آدم‌هایی که احساس ندارند این قدر با تعارف صحبت می‌کنند و در ارتباط و صمیمیت راحت نیستند.

**مدبری گفت از آن مزخرفات هم بی‌اورد!**  
 مهران مدیری تماس گرفت و خواست برای ساعت خوش با آنها همکاری کنم. یادم هست به شوخی این گونه گفت که امیر بیا و از آن مزخرفاتی هم که می‌نویسی برآیمان بی‌اورد. کم کم این مجموعه گل کرد و محبوب شد. همه می‌گویند که چرا عاقبت بازیگران «ساعت خوش» با آن موفقیت و شهرت آتچنان که باید نشد؟! نمی‌دانند که عواملی باعث شدند این اتفاق بیفتد. واقعیت این است که ما در حال گذار از پروسه رنسانس در هنر هستیم. ۱۵ سال پیش فضا باز نبود و شرایط دیگری در تلویزیون وجود داشت. بعد از «ساعت خوش» به دلایل واهی بازیگران این مجموعه را به مدت دو سال ممنوع‌الکار کردند و سپس به مرور اجازه کار دادند. در مدت بیکاری، هر کدام از بچه‌ها سراغ شغل دیگری رفتند. مثلا من مدتی در داروخانه کار می‌کردم یا فیلم اجاره می‌دادم!

**سنگ محک من**  
 نقش‌هایم در مجموعه‌های تلویزیونی هفت گنج، تهران پلاک یک، خوش نشین‌ها، دردرهای عظیم و فیلم سینمایی آهوی پیشونی سفید را بیشتر دوست دارم. در هفت گنج نقش یک جوان عصبی و بد دل را بازی می‌کردم و در آهوی پیشونی سفید هم نقش یک گرگ را داشتم. هیچ وقت فکر نمی‌کردم که یک کار کودک را اینقدر دوست داشته باشم و دلم برای شخصیتی که در آن بازی کرده‌ام تنگ بشود. در تهران پلاک یک هم نقش یک پیرمرد آزادی‌طلب را ایفا می‌کردم که برایم نقش ویژه و متفاوتی بود. به طور کلی فکر می‌کنم این نقش‌ها، محک خوبی برای توانایی بازیگری من است.

**خوب‌ها و بد‌های زندگی**  
 نمی‌توانم بگویم بهترین اتفاق زندگی‌ام کدام است چون بر این باورم که خود زندگی بهترین اتفاق است. اما در این زندگی لحظات خوش زیاد داشته‌ام و می‌توانم آنها را نام ببرم. مثلا وقتی با پسرم پلی‌استیشن بازی می‌کنم یا وقتی تیم استقلال، پرسپولیس را می‌برد کیفیت می‌کنم. بدترین لحظات زندگی‌ام هم زمانی است که برای عزیز از دست رفته‌ای دلنگ می‌شوم. خصوصا احساس دلنگی که بعد از گذشتن سال‌ها از فوت او به آدم دست می‌دهد. چند سال پیش یکی از دوستان نزدیکم که قهرمان رالی بود، فوت کرد و دلنگی برای او جزو بدترین لحظات زندگی‌ام است.

**شهرت را دوست دارم**  
 اگر هر روز همسایه‌ها را که یک بازیگر است ببینی باز هم برای عادی نمی‌شود و دلت می‌خواهد جای او باشی. شهرت و بازیگری از دور برای مردم جذاب است. نمونه‌های کوچکی از مزیت شهرت این است که در تانویی، بانک و... بدون توبت کارت راه می‌افتد و اگر مشکلی داشته باشی همه دورت را می‌گیرند. هر کس بگوید از شهرت بیزار است و از معروفیتش خسته شده، دروغ می‌گوید. شهرت و محبوبیت لذت فراوانی دارد و از الطاف خداوند است.

میلیارد برسد و این کار را دشوار می‌کند. مسلما دوباره کنار هم قرار دادن کسانی مثل مهران مدیری، رضا عطاران، نصرا... رادش، رامین ناصر نصیر، سعید آقاخانی، امیر زریوند، رضا شفیعی‌جم، یوسف صیادی، نعیمه نظام‌دوست، فاطمه هاشمی، نوشین حسن‌زاده، طیبه ابراهیمی و علیرضا مسعودی در یک اثر کار دشواری است. داود اسدی و پوپک گلدره هم که از میان ما رفته‌اند. امروز بچه‌های ساعت خوش گروه گروه شده‌اند. مثلا مهران مدیری تیم خود را دارد. من و رضا عطاران مدتی یک تیم درست کردیم و سبب خنده را ساختم. برنامه‌ای که به عقیده من، بچه ساعت خوش به حساب می‌آید و از دل آن نیز بازیگران زیادی معرفی شدند. بعد از آن، رضا در سینما درخشید و راهش جدا شد. امروز من و سعید آقاخانی با یکدیگر مانده‌ایم و سال‌هاست با هم کار می‌کنیم.

**سر خوردن به سمت کمدی**  
 من بازیگر آثار جدی بودم اما به سمت کمدی سر خوردم. امروز که نگاه می‌کنم این را موهبت خداوند می‌دانم. خندانان مردم در این دوران بهترین خدمت است. از مسیری که آمدم، خوشحالم. هر چه اتفاق افتاده بهترین بوده و هست. به اندازه نقش‌های کمدی‌ام، نقش‌های جدی بازی کرده‌ام اما مردم یادشان نمی‌آید. مثلا در فیلم سینمایی نفوذی، خودزنی و خانه‌ای روی آب نقش جدی داشتم و در سریال‌های هفت گنج، نوار زرد، شکر تلخ، رخنه، خون‌بها و... هم همین‌طور، اما کمتر کسی من را با این نقش‌ها می‌شناسد. مردم ما نیازمند خنده هستند و لحظاتی را که خندیده‌اند بیشتر به یاد می‌آورند.

**قهرمانان من**  
 پدر، قهرمان کودکی یک پسر بچه است. کمی که بزرگ‌تر می‌شوی در جامعه به دنبال الگو می‌گردی. برای من کم کم بهروز وثوقی تبدیل به الگو شد. او به واسطه دوستی با پدرم به خانه ما رفت و آمد می‌کرد و من دوست داشتم مثل او بشوم. بعدها که وارد اداره تئاتر شدم از منش و رفتار خسرو شکیبایی خیلی خوشم آمد اما از نظر حرفه‌ای، سه بازیگر خاص را الگو می‌دانم؛ سعید پورصمیمی، مرحوم جهانگیر فروهر و مهدی هاشمی. نوع نگاه این سه نفر به بازیگری متفاوت است. علمی بازی می‌کنند، شخصیت را به درستی درمی‌آورند و در آثار نقش را چندین بار تکرار نمی‌کنند. فکر می‌کنم نتوانسته است روی پورصمیمی بیاید.



نه خودش باور دارد و نه ما، اما شناسنامه‌اش می‌گوید که ششم اردیبهشت امسال، ۵۰ ساله شد. امیر غفارمنش از بازمانده‌های نسل جوانان کمدین مجموعه به یادماندن «ساعت خوش» و از توانمندترین آنهاست. توانمندی که چندان مجال بروز داشته‌ها و دانسته‌های بازیگری‌اش را نداشته اما همواره قابل‌قبول ظاهر شده است. غفارمنش را به مناسبت زادروزش به دفتر روزنامه دعوت کردیم و او در این گفت‌وگوی مفصل، پرشور و صادقانه از روزهای جوانه زدن عشق بازیگری در وجودش و امید و آرزوی امروزش برای فردا گفت.

**عشق بازیگری**  
 در شش سالگی برای اولین بار در فیلم «فردوسی» به کارگردانی پدرم حضور داشتم، اما به طور حرفه‌ای از سال ۱۳۶۶ تئاتر را شروع کردم و بعد از چندین کار، با ایفای نقش جوان اول مجموعه «دنیای جوان» ساخته فیاض موسوی به تلویزیون آمدم و به ترتیب در «طنز شبانه» محمد رحمانیان و سریال «همسایه‌ها» ساخته حسن فتحی بازی کردم. سال ۱۳۷۳ هم «ساعت خوش» را کار کردم که سر و صدای زیادی به پا کرد. فکر می‌کنم از منظر روانشناسی، علاقه من به بازیگری به شخصیت پدرم برمی‌گردد. پدرم هنرمند بود و به همین دلیل از بچگی بهروز وثوقی، کیانوش عیاری، مصطفی طاری، نصرت کریمی، رسول نجفیان و پرویز نارنجی‌ها به خانه ما رفت‌وآمد می‌کردند. من در این فضا بزرگ شدم و تحت‌تأثیر این افراد بودم. یادم می‌آید حدود سال ۱۳۸۷ پدرم فیلمی به نام «مسافر خاک‌آلود خزان» ساخت که از جشنواره یونسکو در ژاپن جایزه گرفت. صدای رسول نجفیان در آن فیلم هست و مادر و برادرم هم در آن بازی کرده‌اند. من به خاطر این که به برادرم نقش داده بودند حسودی‌ام می‌شد، اما او اصلا در این وادی‌ها نبود و به فوتبال علاقه داشت.

**تلویزیون، اثرگذارترین رسانه است**  
 اگر در شرایطی قرار بگیرم که بتوانم با دستمزدی برابر میان بازیگری در تلویزیون، سینما و تئاتر یکی را انتخاب کنم، بودن بر صحنه تئاتر را ترجیح می‌دهم چون ارتباط زنده با مخاطب لذت بیشتری دارد. با این وجود، نمی‌شود انکار کرد که تلویزیون، مهم‌ترین و اثرگذارترین رسانه است و مخاطب بیشتری دارد. هر کس که می‌گوید در تلویزیون کار نمی‌کنم کلاس می‌گذارد. سینما هم اعجازی فرآگیر دارد و قابل‌ارزش و احترام است.

**فریاد کردن خود**  
 در سنین مختلف اهداف و خواسته‌های انسان فرق می‌کند. مثلا در یک زمان، با مشکلات و مسائلی روبه‌رو می‌شود که متعلق به سن او نیست و عهد می‌بندد که در یک رشته هنری موفق شود تا بتواند خود را فریاد کند. وقتی بزرگ‌تر می‌شوی و در جامعه ورود پیدا می‌کنی، می‌فهمی که درد مردم بیشتر از درد توست و از این به بعد دنبال آن هستی که دردی کم کنی و نگرش تازه‌ای ایجاد نمای تا مردم نگاه قشنگ‌تری به زندگی داشته باشند. در حقیقت در کودکی از هنر یک چیز می‌خواهی و در بزرگسالی چیز دیگری. نگاه من به بازیگری و گذشته‌ای که در آن جست‌وجو می‌کردم در کودکی با امروز متفاوت است. از این نظر باید بگویم بازیگری برای من یک مسیر است، نه هدف. الان نمی‌توانم ادعان کنم که به آنچه در بازیگری می‌خواستم، رسیدم یا نه، چون همچنان در مسیر هستم و هیچ وقت نخواستام مسیرم را تغییر دهم. درست است ناراضی‌هایی از این شغل دارم اما باید بپذیریم زندگی همین است و در کارهای دیگر هم مشکلات مالی و... وجود دارد.

**تکرار یک اتفاق**  
 فکر می‌کنم امروز اگر بخواهند دوباره تیم ساعت خوش را برای یک سریال جمع کنند، مجموع دستمزد ماهانه بازیگران به پنج



**فروردین**  
 در زندگی‌تان تغییری رخ داده و این موضوع شما را خوشحال کرده است. اگرچه در حال حاضر شرایط به نفع شماست اما بهتر است که آهسته‌آهسته قدم بردارید.

**اردیبهشت**  
 امروز مجبورید که ساعت‌های زیادی را پای تلفن و صحبت کردن و سروکله زدن با دیگران بگذرانید. این کار اگرچه خستگی و کلافگی دارد؛ اما نتیجه آن خوب است.

**خرداد**  
 به فکر تغییری در زندگی‌تان هستید. اگر به تلاش خود مانند گذشته ادامه دهید و همچنان خوش‌بین و مثبت‌اندیش باشید، موفقیت شما نیز ادامه خواهد داشت.

**تیر**  
 اگرچه تنهایی را ترجیح می‌دهید؛ اما امروز می‌توانید با افراد بیشتری ارتباط برقرار کنید. روابط عاشقانه شما با شریک زندگی‌تان نیز به‌خوبی پیش خواهد رفت.

**مرداد**  
 بالاخره انتظارات فرامی‌رسد و مشکلات شما نیز حل خواهد شد؛ اما مراقب باشید که این خوش‌بینی و هیجان شما را از ادامه مسیر اصلی منحرف نکند.

**شهریور**  
 امروز فرصتی برایتان فراهم می‌شود که به سفر به مکانی که همیشه دوست داشته‌اید، بروید. اگرچه احساس می‌کنید که این سفر ضرورتی در حال حاضر برایتان ندارد؛ اما بهتر است که آن را کنسل نکنید.

**مهر**  
 شما ذهن آشفته‌ای دارید؛ اما امروز این آرامش را پیدا می‌کنید. سعی کنید امروز زمان بیشتری را در کنار خانواده یا دوستانتان بگذرانید. شما آن قدر که درگیر کارتان هستید به سلامتی‌تان اهمیت نمی‌دهید.

**آبان**  
 اگر از دیگران می‌خواهید که به شما احترام بگذارند، شما نیز باید به آنها احترام بگذارید. دلیل درگیری شما با اطرافیان نیز همین است.

**آذر**  
 اگرچه تا به حال در رفتارهای خود بی‌پروا بوده‌اید، حال زمان آن است که با احتیاط بیشتری قدم بردارید. زندگی شما وارد مرحله حساسی شده است که باید از قبل برای لحظه‌لحظه آن برنامه‌ریزی کنید.

**دی**  
 اگر موفقیت فعلی خود را حفظ کنید، آرامشتان پایدار خواهد بود؛ اما اگر پایتان را از محدودیت‌ها فراتر بگذارید، همه چیز دگرگون خواهد شد. پس سعی کنید که عاقلانه قدم بردارید.

**بهمن**  
 امروز روزی است که باید خدا را بابت آن شکر کنید. اگرچه روزهای سخت زیادی را گذرانده‌اید؛ اما امروز نشانه‌هایی را از آرامش در زندگی‌تان خواهید دید.

**اسفند**  
 امروز خبری به شما می‌رسد که روزتان را به بهترین شکل می‌سازد و شما را آن قدر هیجان‌زده می‌کند که کل روزتان را می‌سازد. از آنجاکه انرژی زیادی برای فعالیت دارید، سعی کنید بر کارهای مهم‌تری تمرکز کنید.

## ۹ اردیبهشت ماه، روز نشوراها گرامی باد



## پیکان در آلمان



تصویری جالب از خودروی پیکان که در خیابان‌های آلمان پارک شده است.